

## راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده‌اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره‌هایی می‌بینید که متشکل از شماره نکته‌ی تقریر شده و شماره صفحه‌ی مد نظر است (مثلاً ۱۵۰/۵ تقریر ۵ در صفحه ۱۵۰) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام "متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی" میتوانید ببینید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : ۰۹۳۶۳۲۱۱۷۳۰ ، پیام‌رسان‌های ایتا و بله؛

\*- صوت ۱۲۶ دلالة الاوامر الاضطرارية على الاجزاء عقلاً

\*- حالت الف : امر اضطراری مقید است . خب سؤال تقیید آن به چیست ؟ به این است که عذر تا آخر وقت ادامه داشته باشد. اگر عذر تا آخر وقت ادامه داشته باشد اگر تا آخر وقت استمرار داشت و خوب نشدی میتوانی نماز را نشسته بخوانی. و در حالتی که یأس از خوب شدن باشد مثل کسی که پایش قطع است و اصلاً درست نمیشود.

حالت ب : یک حالت هم اینطوری است که می‌گوییم این امر اضطراری ما اطلاق دارد و نیازی نیست که تا آخر وقت استمرار داشته باشد. به صرف اینکه شما در اول وقت ناتوان بودید این امر اضطراری می‌آید و شما را مورد خطاب امر اضطراری است.

۲۸۳/۱ وأما إذا كان الأمر الاضطراري مقيداً باستيعاب العذر لتمام الوقت : در حالتی که امر اضطراری مقید به این است که تمام وقت عذر باقی باشد:

حالت الف - ۱ : در این حالت اگر اول وقت نشسته خواند وقتی عذرش برطرف باید نماز را اعاده کند چون امر اضطراری مقید بود که تمام عذر داشته باشد. زیرا وقتی عذر رفت امر اضطراری رفته است مثلاً بنحو شرط متاخر یعنی این امری نداشته است.

در حالت الف - ۲ : این شخص نماز را نشسته میخواند و از قضاء عذر ادامه پیدا میکند تا آخر وقت. آیا اعاده لازم است ؟ اعاده یعنی دوباره خواندن نماز داخل وقت - اعاده لازم نیست زیرا در کل زمان داخل الوقت عذر باقی مانده بود. ولی سؤال در بحث قضاء است ؟ یعنی بعد از خارج از وقت عذر برطرف شده و آیا لازم است قضاء کنم یا نکنم ؟

برخی گفتن قضاء لازم نیست زیرا همینکه امر اضطراری آمد نشان میدهد این امر اضطراری سبب میشود که این فرد تمام مصلحت داخل وقت را استیفاء کند. اگر این توانایی استیفاء ملاک را نداشته چرا شارع آمده امر اضطراری کرده است؟ مثل روزه که نمیتواند بگیرد و شارع امر به آن نکرده است به امر اضطراری.

۲۸۳/۳ **ولکن یرد علی ذلک:** شهید میگوید ولکن یرد علی ذلک: اینکه شما خواسته اید از اینکه یک ملازمه کشف

کنید از اینکه چون امر اضطراری است پس کشف میکنیم که متعلق امر اضطراری میتواند تمام المصلحه امر اختیاری را استیفاء کند چنین چیزی را نداریم. مثال فرض کنید صلاة اختیاری ایستاده این ۱۰۰ درجه مصلحت دارد، نماز قضای خارج الوقت ۵۰ درجه یعنی فقط میتواند نیمی از مصلحت را استیفاء کند. از آن طرف نشسته اضطراری میتواند ۵۰ درجه را استیفاء کند. شارع مقدس چون ما محروم از ۱۰۰ درجه مصلحت شده ایم. شارع گفته داخل وقت گفته نشسته ۵۰ درجه را بگیری و خارج الوقت هم باز بخوان تا درجه دیگر را استیفاء کنی و بشود ۱۰۰ درجه. لعل این باشد. یعنی میخواهد بگوید ملازمه عقلی نیست.

المیسور لایسقط المعسور یعنی میگوید داخل وقت این مقدار را میتوانی استیفاء کنی این را از دست نده. و اگر همه را میخواهی قضاءش را هم بجا بیاور. تا جمعا بدست نیآوری. خلاصه شهید ملازمه عقلی را رد میکند. در شق قبلی ملازمه عقلی را پذیرفتند ولی در اینجا ملازمه عقلی را رد کردند. و شهید سراغ اسلوب دوم در دلالت امر علی اجزاء یعنی سراغ استظهار می رود.

۲۸۴/۱ **فلا دلالة للأمر الاضطراری عقلاً علی الاجزاء فی هذه الحالة:** شهید در اینجا استظهار را بیان میکند. این در واقع بجای اینکه اگر عقلاً نتوانیم به این ملازمه برسیم این استظهار را مطرح کرده است.

شهید میرود سراغ دلیل که این دلیل چه ظهوری دارد دیگر فقیه است و دلیل و ظهور دلیل. می بیند بیان دلیلی به گونه ای است که شارع می گوید این بدیل (نماز نشسته) میتواند تمام ملاک را استیفاء کند بجای نماز ایستاده.

وجه دوم در استظهار: ما اینجا اطلاق مقامی استفاده کنیم یعنی مولا دارد لیستی از واجبات را میگوید و در مقام بیان همه موارد است ولی یک را نمیگوید. چون شارع در مقام همه موارد بوده و یکی را ذکر نکرده است پس مدنظرش نبوده است. شارع حیث اینکه در مقام بیان وظیفه انسان عاجز بوده و گفته نماز نشسته بخوان و اشاره ای به نماز قضاء نکرده و از همین میگوییم پس قضاء لازم نیست.

\*- دلالة الاوامر الظاهرية علی الاجزاء عقلاً

دلالت امارت و اصول علمیه بر اجزاء چگونه است. مثلاً دلیل ظاهری گفته است که ظهر جمعه نماز جمعه واجب است و بعداً مشخص شد که نه نماز ظهر واجب بوده است. این کشف خلاف مهم است البته و گرنه این بحث پیش نمی آید. پس وقتی کشف خلاف شد آیا همان دلیل ظاهری مجزی بوده است یا نه؟

\* - ۲۸۴/۲ قد يقال بالاجزاء بدعوى الملازمه العقلية بين الأمر الظاهري وبينه: ادعا شده ملازمه ای وجود دارد میان

امر ظاهری و اجزاء یعنی همینکه امر ظاهری جعل شد نشان می دهد این امثال امر ظاهری این دارای مصلحتی که میتواند مصلحت واقعیه را استیفاء کند. برای اینکه اگر نمی توانست استیفاء کند تمام مصلحت را هیچگاه شارع اون را جعل نمی کرد زیرا امر به چیزی که منجز به استیفاء کامل نمیشود یک کار قبیحی است باعث می شود مکلف ملاک واقعی را از دست بدهد پس باید گفت اوامر ظاهریه مجزی هستند حتی در صورت کشف خلاف و اعاده لازم ندارد و قضاء هم به طریق اولی لازم ندارد.

شهید صدر بر این ادعا اشکال میکند:

۲۸۵/۱ ویرد علی ذلک: حکم واقعی که وضع شده است. مولا گفته است صلّ صلاة الجمعة فی ظهر جمعه ؛ در ظهر جمعه نماز جمعه بر شما واجب است. این تعیین یا تخییری است ؟ این تعیینی است چرا چون تنها نمازی که میتواند در ظهر جمعه ملاک و مصلحت را استیفاء کند نماز جمعه است. اگر ما بپذیریم که مودی امر ظاهری که میشود نماز ظهر این هم میتواند تمام ملاک را برای ما استیفاء کند در حقیقت اینکه شارع بیاید به نحو تعیینی بگوید نماز جمعه بر شما واجب است این اشتباه است در حقیقت باید شارع بگوید به نحو تخییری نماز جمعه یا نماز ظهر بر شما واجب است زیرا شما دارید میگویید نماز ظهر میتواند ملاک را استیفاء کند. در حقیقت قائل شدید به انقلاب حکم تعیین به حکم تخییری و این هم نوعی از تصویب است. بهر حال شما آمده اید برای مودی اماره چیزی را جعل کردید. و این تصویب کامل نیست و نوعی از تصویب است زیرا وقتی میگویید تصویب یعنی برای مودی اماره جعل مصلحت میکنید ولی در اینجا نیامده همه مصلحت را به مودی اماره تخصیص بدهد بلکه گفته دو نماز دارای مصلحت اند و نوعی از تصویب است. که ما ثابت کردیم تصویب باطل است.